

فصلنامه دیکواده‌ای حقوق پناهی

دوره ۲۴، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۸

صفحات ۷۷ تا ۹۵

خرید دین در نظام بانکی ایران

(تاریخ دریافت: ۲۷ مهر ۱۳۹۶ – تاریخ پذیرش: ۱۷ بهمن ۱۳۹۷)

دکتر مرتضی قاسمزاده*

استاد حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

فاطمه فلاح نژاد: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده:

عقد خرید دین؛ عقدی است که به موجب آن، دین مدت‌دار بدھکار به کمتر از مبلغ آن توسط مدیون یا شخص ثالث از طلبکار خریداری می‌شود. با وجود اختلاف نظرهایی که درباره وضعیت حقوقی این موضوع وجود دارد، نظر مشهور صحت آن را در بیشتر موارد تأیید می‌کند. اما امروزه گستردگی دیون و معاملات و نیز رواج به کارگیری عقد مزبور در جامعه، وضع قانونی را می‌طلبد که بیانگر جوان، شرایط و آثار آن باشد؛ از این‌رو در سال ۱۳۸۹ پس از طرح موضوع از جانب شورای فقهی و تعریف خرید دین و کارکردهای آن در نظام بانکی، عقد مزبور در ماده ۹۸ قانون برنامه پسنجم توسعه گنجانده و دستورالعمل اجرایی قانون به شرایط صحت عقد خرید دین از قبیل: حقیقی بودن دین، نقش‌شوندگی دین، معتبر بودن متعهد و... اشاره کرد؛ بنابراین عقد خرید دین یکی از ابزارهای مالی و منبع تأمین اعتبار در حقوق بانکی به شمار می‌رود که می‌توان بعضی از قراردادهای بانکی را در قالب عقد خرید دین منعقد کرد. برخی از مصادیق خرید این عبارت‌اند از: قراردادهای اعتباری یا سپرده‌ها، وام‌های بانکی و قرارداد کارت‌های اعتباری.

کلید واژه‌های حقوق بانکی، خرید دین، قرارداد اعتباری، وام بانکی

مقدمه

مسئله دیون و مطالبات یکی از واقعیت‌های زندگی بشر است و انسان‌ها برای رفع نیازهای خویش گاهی ناگزیر از انجام معاملاتی هستند که پرداخت ما به ازای آن‌ها به‌طور نقد برای ایشان میسر نیست؛ از این‌رو بسیاری از معاملات افراد مبتنی بر دین بوده و جهان امروز با گستردگی بیشتری از دیون مواجه است. با مراجعه به کتب فقهی نیز می‌توان گفت یکی از معاملات رایج در جزیره العرب که اسلام نیز با شرایطی پذیرفته شده است، خرید دین یا قبول ذمه توسط شخصی ذمه شخص ثالث بوده که با عنوان بیع الدین از آن یاد شده است. نظر مشهور جز در برخی از فروض در مجموع مبتنی بر صحت و جواز آن است و اثر آن انتقال طلب مذبور با همه اوصاف و ویژگی‌های آن از دائن به خریدار است. بدین ترتیب که اگر دین تضمیناتی از قبیل وثیقه، ضامن و... داشته باشد به خریدار منتقل می‌شود.

از سوی دیگر، با گذشت زمان و کاربردی شدن عملیات بانکی این عمل حقوقی در حقوق بانکی جایگاه ویژه‌ای یافته و سال‌ها با عنوان تنزیل استناد تجاری براساس آیین‌نامه موقت تنزیل مورخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱ در میان بانک‌ها و تجار معمول است، اما ضرورت وجود قانونی که بیانگر جواز، شرایط و آثار عقد مذبور و راهگشای بسیاری از معاملات مبتنی بر دین باشد احساس می‌شود. انعقاد این عقد در قالب عقود دیگر به‌سبب ربوی گشتن که مخالف موازین شرعی است و ایراد گنجاندن آن در زمرة عقود مشارکت، مضاربه و فروش‌های اقساطی (بردباز، ۱۳۸۳: ۱۱۲) سبب شد پس از طرح موضوع در شورای فقهی و تشریح کارکرد خرید دین در نظام حقوق بانکی، پیشنهاد اضافه‌شدن آن به قانون برنامه پنجم توسعه از سوی بانک مرکزی مطرح و به‌همراه دو عقد دیگر مرابحه و استصناع در ماده ۹۸ قانون مذبور گنجانده شد. به‌دلیل آن بخشنامه‌ها و دستورالعمل اجرایی لازم نیز به تصویب رسید و در حال حاضر خرید دین از ابزارهای مالی و منابع تأمین اعتبار به شمار می‌رود و بسیاری از عقود مبتنی بر دیون در قالب عقد مذبور منعقد می‌شوند موضوع اصلی خرید دین، دین است که می‌توان در حقوق بانکی آن را اعتبار نامید و معاملاتی از قبیل وام‌های بانکی، سود سپرده‌های بانکی، کارت‌های اعتباری، و... که نیز براساس ارائه اعتبار صورت می‌گیرد؛ از این قبیل دانست بنابراین هدف در این نوشتار، از یک‌سو بررسی جواز و ماهیت خرید دین به‌طور کلی و از سوی دیگر بیان اوصاف، شرایط، مصاديق و کاربرد آن

در نظام بانکی براساس مستندات قانونی جدید است. درمورد پیشینه پژوهش باید توجه داشت که به سبب آنکه مدت زیادی از زمان تصویب قانون و دستورالعمل مربوط به عقد خرید دین سپری نشده است، متون حقوقی در این زمینه بسیار کم است و پژوهش‌های موجود بیشتر حول محور جواز یا عدم جواز عقد خرید دین و در فرض مختلف آن است و تحلیل عقد خرید دین و کاربردهای آن در نظام بانکی مغفول مانده است (شیری، جمشید، ۱۳۹۲).

۱. مفهوم دین

حقوق دانان معمولاً منشأ تقسیم‌بندی اموال را تقسیم‌بندی بر مبنای حق می‌دانند؛ بدین ترتیب که ابتدا حق را به اعتبار ارزش مالی به حق مالی و غیرمالی تقسیم می‌کنند، سپس با یکسان‌داشتمن حق مالی و مال به تقسیم حق مالی می‌پردازنند؛ بنابراین برخی در تعریف دین گفته‌اند: «تکلیفی است که شخص نسبت به اجرای مفاد حق مالی در برابر صاحب آن پیدا می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۵۰). یکی از حقوق دانان عرب‌زبان نیز در تعریف دین می‌گوید: «لفظ دین در زبان عربی کلمه واحدی است که هم بر آنچه لفظ (creance) در زبان فرانسه بر آن دلالت دارد، اطلاق دارد و هم معادل با لفظ (dette) در آن زبان است. به بیان دیگر این کلمه هم بر طلب و هم بر دین دلالت دارد و لفظ دین، بر حق شخصی دائن بر مديون که بر مبنای آن می‌تواند انجام‌دادن کاری یا خودداری از انجام عملی و یا انتقال مالی را از او مطالبه کند، تحمل می‌شود. آنچه بیشتر از این لفظ معنا می‌گردد وجه نقد است» (بدوی، ۲۰۰۳: ۸۵).

برخی فقهاء درباره مال‌دانستن دین، اشکالاتی را مطرح کرده‌اند. از جمله اینکه دین، معذوم است و قابل ملکیت نیست؛ مال چیزی است که طبع انسان به آن تمایل دارد و در موقع نیاز می‌تواند آن را ذخیره نماید؛ از این‌رو در تعریف دین گفته‌اند: «دین وصفی شرعی بر ذمه است که به ملکیت درنمی‌آید و کسی که سوگند یاد می‌کند مالی ندارد؛ درحالی که دینی بر ذمه شخصی دارد سوگند او صحیح است؛ زیرا دین مال نیست، بلکه وصفی است بر ذمه که قبض آن متصور نیست» (عتیقی، ۱۴۱۹: ۲۸۹).

بعضی فقهاء امامیه البته دین را مال حقیقی دانسته و معتقد‌ند: «ملکیت عرض خارجی نیست، بلکه از اعتبارات عقلانیه است و بنابراین مانعی از اعتبار کردن آن در یک موضوع اعتباری دیگر وجود ندارد. دین یا کلی در ذمه، معذوم مطلق نیست، بلکه موجود به وجود اعتباری است و این

موجود اعتباری گاهی در ذمه و گاهی در خارج از ذمه اعتبار می‌شود و با این وصف و داشتن موجودیتی اعتباری، عقلاً آن را ملک و مملوک لحاظ می‌کنند» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۷-۱۸). در حقوق غرب نیز، ذمه به محل التزام انسانی اطلاق می‌شود و در همین راستا بعضی فقهاء ذمه را محل ضمان و وجوب می‌دانند (ثابت، ۱۳۸۱: ۱۵۸). در کنار فقهاء، حقوق‌دانان نیز دین را مشمول عنوان مال قرار داده‌اند و معتقد‌ند: «مال در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد دادوستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد» (امامی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۹). یکی از حقوق‌دانان آلمانی در این زمینه می‌گوید: «در تجارت حقوقی عصر نوین، تعهد همان نقشی را ایفا می‌کند که عین در تجارت حقوقی مصر قدیم دارا بوده است» (Brown, 1991: ۱۵۵؛ بنابراین با توجه به مفهوم گسترده مال در حقوق کنونی، دین نیز در زمرة اموال قرار دارد.

۱-۲. تعریف عقد خرید دین

در کتب فقهی، تعریفی برای خرید دین ارائه نشده است، اما با دقت در متون فقهی و حقوقی می‌توان تعریفی جامع از خرید دین ارائه کرد. یعنی خرید دین، قراردادی است که به موجب آن دین مدت‌دار بدھکار به کمتر از مبلغ اسمی آن، به صورت نقدی از او خریداری می‌شود؛ این خرید می‌تواند از سوی مديون یا شخص ثالث صورت بگیرد. بنابراین طرفین قرارداد خرید دین عبارت‌اند از: یک طرف اصلی که همیشه دائن است و به‌متابه انتقال‌دهنده و فروشنده دین مطرح است و طرف دیگر آنکه گاه مديون و گاه شخص ثالث است و در صورت دوم، مديون نقشی در قرارداد خرید دین ندارد و موضوع عقد نیز انتقال دین از دائن اصلی به دائن جدید است. از آنجا که دائن، خریدار دین را در واقع قائم مقام خویش قرار می‌دهد، تضمینات آن نیز به خریدار دین انتقال می‌یابد تا در صورت عدم وصول دین، خریدار بتواند از محل آن‌ها، طلب خود را وصول کند. با توجه به تعریف عقد خرید دین به عنوان قراردادی که به موجب آن دین مدت‌دار بدھکار به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از وی خریداری می‌شود، به طور کلی ویژگی‌های عقد مزبور عبارت‌اند از: تمیلکی، معوض، لازم و تبعی.

۱-۳. ماهیت حقوقی عقد خرید دین

در مورد ماهیت خرید دین، نظریه‌های متفاوتی مطرح شده است. از جمله به عنوان عقد بیع، یا قرارداد خصوصی نامعین و در نهایت قرارداد عقد معین.

۱-۳-۱. خرید دین به عنوان عقد بيع

بانگاهی به مباحث فقهی ملاحظه می‌شود همه فقهاء از عقد مذبور به مثابه (بيع الدین) یاد کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۶۰). حال با توجه به ماده ۳۳۸ قانون مدنی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان خرید دین را از مصاديق بيع محسوب کرد؟ و آیا دینی که در عقد خرید دین معامله می‌شود با عینی که قانون گذار در تعریف بيع مدنظر دارد تناسبی دارد؟ در پاسخ به اشکالات وارد گفته شده است، چنانچه بيع دین به سبب عین‌بودن صحیح نیست؛ پس بيع سلف که مبیع مال کلی در ذمه است نیز نباید صحیح باشد؛ در حالی که هیچ‌یک از فقهاء چنین چیزی را مطرح نکرده‌اند. از سوی دیگر، قصد فقهاء از تعریف بيع به تملیک عین در مقابل عوض معلوم آن است که اجاره را از تعریف مذبور خارج کنند و در نظر عقلاً لازم نیست مبیع لزوماً عین باشد (داورزنی، ۱۳۸۹: ۵۹) از سوی دیگر، به نظر می‌رسد اغراض متعاملان نقشی در تعیین حقیقت معامله ندارد و آنچه ماهیت و حقیقت معامله را شکل می‌دهد، کیفیت انشاء و عنوانی است که انشا می‌شود لذا از نظر عرفی هر گاه یکی از متعاملان، مال خود را در مقابل عوض به دیگری تملیک کند، بایع شمرده می‌شود، هرچند به خصوصیت ثمن هم نیاز داشته باشد و غرض او به دست آوردن آن باشد. پس کسی که تملیک را پذیرفته است، مشتری به شمار می‌رود، اگرچه غرض او به دست آوردن خصوصیت مبیع نباشد و غرض او حفظ مالیت مالش باشد، به همین جهت بسیاری از فقهیان در تعریف بيع که ماهیت بيع را بیان می‌کند، این جهت را دریافت نکرده‌اند (موسوی، ۱۳۸۱: ۷۷).

اشکال دیگری که بر بيع‌بودن عقد خرید دین وارد شده این است که ملکیت از مقوله عرض است و عرض هم محتاج به محل است و کلی در ذمه چه قبل از عقد بيع، کلی باشد؛ مثل دین و چه بعد از آن کلی در ذمه بشود، وجودی ندارد تا محل ملکیت شود و معروض آن باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۳-۵۱). در پاسخ به این اشکال نیز گفته شده است که این ایراد به فرض ثبوت، در کلی مشاع و کلی در معین هم وجود دارد؛ در کلی در معین آنچه در خارج موجود است افراد معینی هستند که قابل صدق بر کثیرین نیستند؛ بنابراین معقول نیست بگوییم کلی در معین موجود و متشخص است و تنها تفاوتی که بین کلی در معین و کلی در ذمه وجود دارد، تقيید کلی در معین است. از سوی دیگر، ملکیت از اعراض خارجی نیست، بلکه از اعتبارات عقلایی است (موسوی خمینی ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۳).

۱-۳-۲. خرید دین به عنوان قرارداد خصوصی

چنانچه خرید دین را نوعی قرارداد خصوصی بدانیم، اشکال وارد به آن، این است که عقد خرید دین از زمان فقهای متقدم مطرح بوده و در مبحث مربوط به دین در تمامی کتب فقهی بخشی به خرید دین اختصاص داده شده است؛ بنابراین عقد خرید دین قراردادی نوپا نیست که بتوان آن را قراردادی خصوصی مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی دانست.

۱-۳-۳. خرید دین به عنوان عقد معین

عقد خرید دین قبل از الحق به ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه، با توجه به شیوع استفاده از آن بیع تلقی می‌شد، لذا به نظر می‌رسد با توجه به درج آن در ماده ۹۸ می‌توان گفت از طرف قانون گذار به مثابه عقدی معین با شرایط، احکام و آثار خاصی در نظر گرفته شده است. با پذیرش این نظر، عقد خرید دین، عقدی معین است و دیگر به تطبیق ماهیت آن با سایر نهادهای حقوقی نیازی نیست.

۲. عقد خرید دین در حقوق موضوعه

به موجب بخشنامه الحاقی شماره ۱۶ به آین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، درخصوص عقد خرید دین، تعریف، شرایط و احکام آن نیز بیان شده است. از آنجا که انعقاد هر عقد به طور معمول مستلزم تحقق دو دسته شرایط ماهوی و شکلی است، به تفصیل به بررسی آن‌ها در عقد مزبور می‌پردازیم:

۱-۲. شرایط ماهوی عقد

ماده ۱۹۰ قانون مدنی، به ذکر شرایط صحت معاملات پرداخته است؛ بنابراین شرایط اساسی صحت معاملات در عقد خرید دین، تابع قواعد عمومی قراردادهای است، اما دستورالعمل اجرایی خرید دین در دو ماده ۳ و ۴ خود، حقیقی بودن دین را از شرایط انعقاد این عقد دانسته است. منظور از حقیقی بودن دین آن است که معامله می‌شود، به‌طور واقعی وجود داشته باشد و طلبکار در عالم واقع، دینی بر عهده بدھکار داشته باشد. به نظر می‌رسد شرط لزوم حقیقی بودن دین از شرایط صحت عقد است؛ زیرا اگر واقعاً دینی وجود نداشته باشد، به‌دلیل نبود موضوع معامله، معامله مزبور باطل است.

۲-۲. شرایط شکلی و تشریفاتی عقد

منظور از شرایط شکلی و تشریفاتی، شرایطی است که قانون گذار به موجب آیین نامه و دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین، رعایت آنها را الزامی دانسته است. این موارد عبارتند از:

۱-۲-۲. نقدشوندگی دین و معتبربودن متعهد

علاوه بر ماده ۴ دستورالعمل اجرایی که بانک‌ها را موظف نموده است قبل از خرید دین، از نقدشوندگی آن در سراسر اطمینان حاصل کنند، ماده ۵ دستورالعمل مقرر کرده (بانک‌ها مکلفاند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از معتبربودن معهد دین اطمینان حاصل کنند).

منظور از نقدشوندگی و معتبربودن متعهد آن است که بانک به پرداخت دین از طرف مدیون اطمینان حاصل کند؛ بنابراین برای رسیدن به این منظور می‌توان ترتیبی داد که قبل از معامله، بانک بتواند اطلاعاتی درباره وضعیت مالی متعهد تحصیل کند. در حقوق انگلستان نیز بانک‌ها، پیش از اینکه سند را از جهت تزریل بپذیرند، به این نکته توجه می‌کنند که صادرکننده سند از اعتبار کافی برخوردار است یا خیر (MEGRAH, 1983: 283).

۲-۲-۲. مدت سراسری

قانون گذار حداکثر زمان پرداخت دین از سوی بدھکار را در عقد خرید دین، موضوع قانون الحاقی به قانون عمليات بانکی بدون ربا مشخص کرده است؛ در حالی که هیچ یک از فقهاء که به بحث خرید دین پرداخته‌اند، محدودیت زمانی برای پرداخت دین به خریدار قائل نشده‌اند. به موجب ماده ۶ دستورالعمل اجرایی «خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری توسط بانک‌ها در صورتی مجاز است که سراسرید این قبیل اسناد و اوراق تجاری از یک سال تجاوز نکند». در هر حال بانک‌ها در موارد خاص و با موافقت هیئت‌مدیره خود، مجاز به خرید موضوع اسناد و اوراق تجاری با سراسرید حداکثر تا دو سال هستند. با توجه به ماده مزبور، سراسرید خرید دین اوراق تجاری نمی‌تواند بیش از دو سال باشد و دو سال نیز منوط به موارد خاص و در صورت موافقت هیئت‌مدیره بانک است؛ زیرا سراسریدهای طولانی مدت، علاوه بر تأثیر تورم بر موضوع، تغییر و تحولاتی را که در روند فعالیت‌های تجاری یک تاجر عارض می‌شود، در پی خواهند داشت.

۳. خرید دین در مقررات بانکی

به طور کلی وجوه تشابه خرید دین با برخی نهادهای حقوقی و بانکی قابل اشاره است که به شریعه زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱-۳. مقایسه عقد خرید دین و نهاد تنزيل

در مبادرات بازرگانی میان اشخاص، استناد تجاری به مثابه وسیله پرداخت و تأديه ثمن می‌شود، اما صرف صدور [یا انتقال] استناد تجاری به معنای پرداخت و تأديه دین نیست، بلکه تا زمان وصول وجه استناد، دین مدیون به قوت خود باقی خواهد ماند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۲۷: ۴؛ شهیدی، ۱۳۷۴: ۹۵، اسکینی، ۱۳۸۴: ۷؛ بنابراین استناد تجاری حاکی از وجود تعهدات نقدی هستند. از ویژگی‌های استناد مذکور این است که وسیله‌ای برای کسب اعتبار دارندۀ سند محسوب می‌شوند (کاتبی، ۱۳۸۵: ۱۸۴؛ صقری، ۱۳۸۰: ۳۷)، در بازار خرید و فروش می‌شوند و حتی می‌توان وجه نقد مندرج در آن را با کسر مبلغی از آن زودتر از سررسید دریافت کرد که به‌اصطلاح کسبه و تجار تنزيل سند یا نزول نامیده می‌شود.

تنزيل کلمه‌ای عربی از ریشه نزل است و به معنای پایین‌آوردن، کاستن، کاهش‌دادن و کم کردن است. (بندر ریکی، ۱۳۷۵: ۱۹۱۳).

تنزيل با مفهوم عربی‌الخصم، انگلیسی (Discount) و فرانسوی (Escompte) متراff است. با توجه به اینکه به‌موجب تنزيل، طلبکار با کسر مبلغی از میزان طلب، زودتر از موعد سررسید، طلب خود را دریافت می‌کند، می‌توان گفت مبنای تنزيل، تعجیل دیون مؤجل است که از نظر قانون مدنی امری پذیرفته شده است. به عقیده فقهاء نیز «وام مدت‌دار را می‌توان با رضایت طرفین با کم کردن مقداری از آن، تاریخ پرداختش را جلو انداخت؛ اما وام بدون تاریخ را نمی‌توان چنین کرد و نیز نمی‌توان با افرودن مبلغی مدت پرداخت را طولانی کرد» (موسوی خمینی، ج ۱: ۶۴۹). اگرچه واژه تنزيل در مفهوم اصطلاحی در متون فقهی به چشم نمی‌خورد، با وجود این از تعریفی که از بیع دین در متون اسلامی ارائه شده است، بر می‌آید که بیع دین مفهومی است که ماهیت مشابهی به تنزيل دارد؛ زیرا در تنزيل نیز، دارندگان استناد تجاری قبل از سررسید با مراجعت به بانک، طلب خود را نقداً و با مبلغی کمتر دریافت می‌کنند. مشابهت این دو مفهوم سبب شده

است که برخی این دو را دارای ماهیت یکسان بدانند. همچنین در صحت معامله تنزیل بر مبنای صحت بع دین گفته‌اند: «جایز است که دین مؤجل مدت‌دار را با رضایت طرفین به مبلغ کمتری حال نمود. در حقیقت این همان چیزی است که در عصر حاضر به تنزیل استناد و اوراق تجاری معروف است» (میرجلیلی، ۱۳۷۴: ۲۳۹-۲۳۸)؛ درحالی که بین تنزیل و بع دین از جهات مختلف در عمل تقاضاً های وجود دارد (ثابت، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۰۵) که به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها آنقدر اساسی نیستند که در حکم خرید دین و تنزیل اختلاف ایجاد کنند. اما روشن شدن حکم خرید دین پولی منوط به پاسخ‌دادن به پرسش‌های ذیل است:

۱. ماهیت پول چیست؟

۲. آیا پول در دنیای امروزی قابلیت خرید و فروش دارد؟

به نظر می‌رسد عنوان مال امری عرفی و عقلایی است؛ یعنی آنچه را که عرف و عقلاً آثار مالیت بر آن مترب نمایند، مال محسوب می‌شود. به بیان دیگر، مالیت پیدا کردن اشیا در نظر عرف به آن دلیل که عرف آن اشیا را مال بداند یا نداند؛ نیست، بلکه با توجه به کاربرد آن‌ها توسط عرف می‌توان مالیت آن‌ها را انتزاع کرد.^۱

با وجود پذیرش موضوع مالیت داشتن پول، برخی قائل به عدم امکان خرید و فروش پول هستند و معتقد‌ند خرید و فروش پول در عالم خارج تحقق‌پذیر نیست و آنچه تحقق می‌یابد، عقد قرض است که لباس بع بر آن می‌پوشانند، اما قول مشهور فقهاء امامیه این است که چون اسکناس یا هر نوع پول اعتباری دیگر مثل فلوس و سکه‌های رایج که جنس آن‌ها از طلا و نقره نیست در معامله، شرط اساسی ربای معاملی یعنی وزنی یا کیلی را ندارد و به صورت شمارشی (عددی) است؛ پس در خرید و فروش آن‌ها با یکدیگر ربا جریان پیدا نمی‌کند؛ بنابراین از آنچه گفته شد، می‌توان استنباط کرد که مشروعیت خرید و فروش اسکناس مبتنی بر دو امر است؛ بدین ترتیب که حرمت ربای معاملی منحصر در اشیای مکبل و موزون باشد و خرید و فروش نسیه اسکناس در نظر عرف

۱. (می‌توان در تعریفی جامع و مانع ویژگی‌های مال را به شرح ذیل عنوان کرد: ۱- از نظر عرف و عقلاً مورد حاجت باشد؛ ۲- از صفت کمیابی نسبی برخوردار باشد؛ قابل اختصاص باشد؛ حاکی نباشد (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل‌بیت علیهم السلام، بی‌تا: ۱۴۶).

معامله محسوب شود نه قرض؛ از این‌رو با توجه به مباحث مذکور می‌توان اذعان داشت که تطبیق احکام خرید دین بر تنزیل اشکالی ندارد. کما اینکه رویه بانکی موجود نیز مقررات حاکم بر خرید دین را بر تنزیل اسناد تجاری و تنزیل اعتبارات اسنادی حاکم می‌داند. به ترتیبی که آیین‌نامه اجرایی (گشايش اعتبارات اسنادی اتكائي و تنزيل اعتبارات اسنادی صادراتي) مورخ ۱۳۸۲ آذر ۲۳ مصوب وزارت امور اقتصادي و دارايی و بانک مرکزي جمهوري اسلامي ايران، امكان تنزيل اعتبارات اسنادی را با رعایت شرایط مقرر ایجاد کرد. به موجب ماده ۱ بخش ب آیین‌نامه مزبور «بانک‌ها می‌توانند اسناد مدت‌دار اعتبارات اسنادی صادراتی و بروات ارزی مدت‌دار تعهدشده توسط خریدار و بانک خارجی را در چارچوب آیین‌نامه موقت تنزيل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن به همان ارز تنزيل کرده و به صادرکننده پرداخت کنند». از تاریخ ابلاغ بخشنامه، بانک‌های مختلف ضمن اعلام آمادگی خود، شرایط عمومی و اختصاصی آن را نیز تعیین کردند.

۲-۳. خرید دین مجدد

در دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین، دو ماده به خرید دین مجدد اختصاص داده شده است؛ خرید دین مجدد از سوی بانک مرکزی و خرید دین مجدد توسط فروشنده (دائنه).

۳-۱. خرید دین مجدد از سوی بانک مرکزی

همان‌طور که بیان شد، یکی از منابع تأمین اعتبار بانک‌ها، تنزيل اسناد تجاری است. در بانکداری متعارف، بانک‌های تجاری تا سرسید صبر نمی‌کنند، بلکه اوراق تجاری مذکور را نزد بانک مرکزی تنزيل می‌کنند که به این عمل، تنزيل مجدد یا تنزيل اتكائي می‌گويند. درواقع بانک مرکزی با تنزيل مجدد اوراق تجاری، به نقدينگی و قدرت مالي بانک‌های تجاری می‌افزايد، در تنزيل مجدد اين گونه نیست که واقعاً بانک تجاری، اسناد را پشت‌نويسی کند و به بانک مرکزی بفروشد و بانک مرکزی در سرسید سراغ بدھكار برود و در صورت وصول‌نشدن به بانک تجاری مراجعه کند. بلکه روش کار به این صورت است که شعبه مرکزی هر بانکی با گرفتن اطلاعات اسناد تنزيلي شعب خود، به بانک مرکزی اطلاع می‌دهد که به ارزش فلان مبلغ، اسناد تجاری تنزيلي در اختیار دارد و بانک مرکزی به اعتماد آن اسناد به بانک مذکور اعتباری اختصاص

می‌دهد که به آن تنزیل مجدد گفته می‌شود. واضح است ماهیت این عملیات قرض بوده و چنانچه بانک مرکزی تصمیم داشته باشد در قبال این قرض مبلغ بیشتری بگیرد، قرض با بهره و ربا خواهد بود، زیرا هیچ‌گونه خرید و فروش دینی در اینجا صورت نمی‌گیرد. لذا به اعتقاد همه مراجع اشکال دارد و قابل عمل در نظام بانکی نیست (موسویان، ۱۳۸۰: ۷۹). این ابزار در بانکداری بدون ربا در قالب عقد خرید دین توجیه می‌شود؛ بدین ترتیب که بانک‌های تجاری، استناد مشتریان خود را خریداری می‌کنند، سپس به مبلغ بیشتری به بانک مرکزی می‌فروشنند و این همان بیع دین است.

۲-۲-۳. خرید دین مجدد از سوی فروشنده

به موجب ماده ۸ دستورالعمل اجرایی «در صورت تقاضای متقضی، بانک‌ها می‌توانند استناد و اوراق تجاری خریداری شده را به صورت نقدی به بانک به فروش برسانند؛ بنابراین یکی دیگر از راه‌های جبران ذخایر مالی بانک‌ها در موقع ضرورت، خرید دین مجدد استناد از سوی خود فروشنده است؛ بدین ترتیب که بانک، دینی را که خریده است دوباره به خود دائی می‌فروشد.

۴. شروط ضمن عقد در خرید دین

دستورالعمل اجرایی خرید دین به ذکر پاره‌ای از شروطی که طرفین عقد خرید دین می‌توانند آن‌ها را ضمن عقد قرار دهند، پرداخته است.

۴-۱. شرط تعهد فروشنده در صورت امتناع مدييون از پرداخت

مطابق ماده ۷ دستورالعمل اجرایی «بانک‌ها می‌توانند ضمن تنظیم قرارداد خرید دین، فروشنده دین را متعهد کنند که هر گاه مدييون در سررسید نسبت به پرداخت دین اقدام ننماید، وی متعهد به پرداخت آن باشد»، اما از آنجا که بعد از تحقق عقد خرید دین، فروشنده دین که دائن اصلی بوده است، اکنون یک شخص یگانه است. یعنی در نتیجه عقد، طلب به خریدار منتقل شده و او دیگر در این رابطه، ثالث محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد تعهد او به پرداخت دین در صورت عدم پرداخت از سوی مدييون را می‌توان براساس ضمان وثیقه‌ای یا وکالت تحلیل کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۴۰).

۴-۲. شرط دادن تضمین

ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی مقرر کرده است که «بانک‌ها می‌توانند هنگام انعقاد عقد خرید دین، جهت اطمینان از وصول دین موضوع اسناد و اوراق تجاری ارائه شده توسط متقاضی، مبادرت به اختذ تصامین لازم نمایند»؛ بنابراین با توجه به ماده مذکور بانک‌ها می‌توانند در زمان انعقاد عقد از فروشنده، تصامین لازم را دریافت کنند. به نظر می‌رسد منظور از تصامین در متن ماده مذبور می‌تواند مطابق ماده ۲۴۱ ق.م. ضامن به معنای اخص کلمه و همچنین وثیقه باشد.

۴-۳. شرط بیمه کردن دین

مطابق ماده ۱۱ دستورالعمل اجرایی «بانک‌ها می‌توانند ترتیبی اتخاذ نمایند تا در صورت لزوم، مطالبات خود از این بابت را بیمه نمایند». شیوه نگارش ماده بیانگر این است که شرط بیمه کردن دین در قلمرو قصد و توافق طرفین وارد نمی‌شود، بلکه بانک می‌تواند در صورت لزوم، مطالبات خویش را بابت قراردادهای خرید دین به هزینه خود بیمه کند؛ البته این بدان معنا نیست که طرفین نمی‌توانند توافق نمایند تا طرف دیگر عقد (فروشنده) دین را بیمه کند.

۵. پیشینه قانونی خرید دین در نظام بانکی ایران

بعد از طرح و اجرای بانکداری بدون ربا در ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی، دانشمندان مسلمان به فکر طراحی ابزارهای مالی اسلامی نیز افتادند و توانستند با رعایت ضوابط و مقررات شرعی، انواعی از ابزارهای مالی را به نام صکوک طراحی کنند (موسویان، ۱۳۸۶: ۳۴۵)؛ بنابراین یکی از ابزارهای مالی مذبور در بانکداری بدون ربا، عقد خرید دین است که اولین مستند آن در نظام بانکی ایران، مصوبه چهارصد و هفتاد و یکمین جلسه مورخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱ شورای محترم پول و اعتبار، با عنوان «آیین نامه موقت تنزیل» شامل نه ماده و یک تبصره است. این مصوبه همچنین در راستای تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی از طریق تنزیل اسناد و اوراق تجاری ناشی از دین واقعی بود که مشمول قانون عملیات بانکی بدون ربا قرار نگرفت و به سبب استفاده نادرست و ارائه اسناد صوری از سوی برخی متقاضیان، بانک مرکزی دستور توقف عملیات خرید دین را صادر کرد؛ البته باید توجه داشت که از اواخر سال ۱۳۸۱ استفاده از این ابزار بار دیگر از سوی بانک مرکزی مجاز اعلام شد، اما پس از آن مستند قانونی عقد خرید دین در

نظام بانکی ایران، دستورالعمل اجرایی (اعتبار در حساب جاری در قالب خرید دین)، مصوب هزار و شصت و هشتاد و پنجمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار، مورخ ۱۳۸۵ شهریور مشتمل بر نه ماده است.

اعتبار در حساب جاری یا (اضافه برداشت) یکی از روش‌های تخصیص منابع در بانکداری متعارف و درواقع یکی از ابزارهای پرداخت وام در بانک‌هاست که به موجب آن وام‌گیرنده می‌تواند بیش از حد موجودی از حسابش برداشت کند که به حد اعتبار در حساب جاری یا حد اعتبار جاری مرسوم است (تotonچیان، ۱۳۷۵: ۷۶) و برای اولین بار در نیمه نخست قرن هجده از سوی بانک‌های اسکاتلندي آغاز و بعد از آن در بانک‌های لندن استفاده شد (موسويان و فدائی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در حقوق داخلی بالاخره پس از گذشت مدتی از ضرورت وجود قانونی درباره خرید دین که بیانگر جواز، شرایط و آثار آن باشد، بهویژه با توجه به رواج استفاده آن در جامعه پیشنهاد اضافه شدن عقد مزبور به همراه دو عقد دیگر مرابحه و استصناع، به برنامه پنجم توسعه از سوی بانک مرکزی مطرح و در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه گنجانده شد (موسويان و بازوکار، ۱۳۹۲: ۲۱۳)؛ بنابراین در حال حاضر با وجود مجوز قانونی مزبور درمورد عقد خرید دین، عقد مزبور بدون هرگونه شک و تردیدی به مثابه یکی از ابزارهای مناسب تأمین مالی کوتاه‌مدت در راستای تأمین اهداف بانکداری بدون ربا در نظام بانکی استفاده می‌شود. باید توجه داشت که قانون گذار در بخش سوم قانون ششم برنامه توسعه، ماده ۱۰ نیز به منظور گسترش و تعميق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن مقرر کرده است که دولت مجاز است معادل کل بدھی‌های خود به اشخاص حقیقی و حقوقی را تا پایان اجرای قانون برنامه از طریق انتشار اوراق بهادر و با کسب رضایت طلبکاران تسویه کند. همان‌گونه که خواهیم گفت انتشار اوراق بهادر نیز یکی از مصادیق عقد خرید دین است.

۱-۵. انواع عقد خرید دین در نظام بانکی

با ورود خرید دین در حیطه قوانین موضوعه، به نظر می‌رسد می‌توان بسیاری از عقود مبتنی بر دیون را که بخش عمده‌ای از معاملات سیستم بانکی کشور را تشکیل می‌دهد و با برخی مشکلات از جمله مانع ربوی‌بودن مواجه است، در قالب عقد مزبور گنجاند و با شرایط و آثار آن منطبق کرد؛ بدین ترتیب بسیاری از مشکلات موجود را برطرف کرد.

۱-۱-۵. سپرده‌ها و وام‌های بانکی

در شرایط کنونی که نظام نقل و انتقال پول و سرمایه پیشرفتهای فراوانی کرده است و نیازهای نامحدود جامعه اقتصادی، کارکردهای مختلف اقتصادی برای بانک‌ها و متقابلاً مشتریان دارد، مقتضای آن را دارد که اشخاص بتوانند با شرایط مختلف و به شیوه‌های گوناگون به یکدیگر وام بدهند. همچنین گرفتن سپرده‌های مشتریان از سوی بانک‌ها و شرط پرداخت سود معین به آن‌ها یکی از عمدۀ ترین عملیات بانک‌های است که در شرایط متعارف مصدق ربای قرضی و حرام تلقی می‌شود. گرچه معمولاً این اعمال را در قالب عقود اسلامی به‌ویژه مضاربه توجیه می‌کنند، ولی از دو جهت قابل ایراد است؛ بدین ترتیب که از سویی هم مشتری به‌دبال گرفتن سود است و پرداخت نکردن همان مقدار سود از سوی بانک را نمی‌پذیرد و هم بانک درباره وام‌های بانکی به‌دبال گرفتن سود است و دریافت نکردن سود از وام گیرنده را به‌سبب ورود ضرر به خود، نمی‌پذیرد. از سوی دیگر عامل در عقد مضاربه، اگر با چندین نفر به‌طور هم‌زمان عقد مضاربه منعقد کند، نمی‌تواند با پول همه آن‌ها مجموعاً معامله نماید و سود و زیان را میان همه آن‌ها تقسیم کند؛ هر چند عقد به صورت مطلق منعقد شده باشد (داورزنی، ۱۳۸۹: ۷۴؛ سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۵۸)؛ بنابراین، جهت احراز رابطه حقوقی انواع وام‌ها و معاملات واگذاری وام به وام‌گیرنده و ماهیت حقوقی سود بانکی (قاسمزاده، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳) به نظر می‌رسد بهترین راه حل، عقد خرید دین است. به این ترتیب بانک مبلغی را براساس عقد قرض به شخصی قرض می‌دهد و او هم به‌واسطه این قرض، مديون بانک می‌شود. حال بانک این دین را به قیمت بیشتر به خود مدييون، اما به صورت مدت‌دار و به‌طور اقساطی می‌فروشد. در مورد سود متعلق به سپرده‌های بانکی نیز بانک در نتیجه سپرده‌گذاری اشخاص به ایشان مدييون شده و در قالب عقد خرید دین، دین خویش را به مبلغ بیشتر از آن‌ها خریداری می‌کند و به صورت اقساط به ایشان می‌پردازد. این دو قرارداد بر پایه خرید دین یکبار از مشتری و در وهله دوم از سوی بانک شکل می‌گیرد.

۱-۱-۶. کارت‌های اعتباری و بانکی

کارت‌های اعتباری در معنای خاص عبارت‌اند از کارتی که یک بانک یا نهاد پولی یا اعتباری صادر می‌کند و به دارنده آن امکان می‌دهد کالا یا خدمتی را بدون پرداخت وجه نقد و صرف‌آبَا

ارائه کارت خریداری کند، سپس بهای آن را طی مدت زمان مشخصی به صادرکننده کارت پردازد (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۴۴۹). در صورت ناتوانی در پرداخت کامل صورت حساب در مهلت مقرر، در صورت تأیید صادرکننده کارت آن را به صورت اقساط پرداخت می‌کند و چنانچه تقاضای تقسیط نکند، بانک طی اخطاری اصل مبلغ بدھی را همراه با جریمه‌ای که به‌طور معمول خیلی بیشتر از بهره تقسیط است، از دارنده کارت می‌گیرد یا از طریق ضمانت‌نامه‌ها و وثیقه‌ها وصول می‌کند.

برخی کشورها با وضع قوانین و مقررات درباره کارت‌های اعتباری، ماهیت آن را به‌طور صریح بیان کرده‌اند و برخی کشورها مانند ایران با مغایر دانستن آن با احکام اسلامی، استفاده از آن را حرام و معامله با آن را باطل اعلام کرده‌اند. در همین راستا عده‌ای در صدد توجیه ماهیت کارت‌های اعتباری با برخی عقود معین از قبیل عقد قرض، ضمان، وکالت، حواله و جماله، برآمده‌اند (زارع، ۱۳۸۸: ۸۸ به بعد)، اما به‌سبب وجود افتراق میان ماهیت هریک از عقود معین و قرارداد کارت‌های اعتباری، امکان انتباط قرارداد مزبور با هیچ یک از عقود معین مذکور وجود ندارد و لذا مخالفان به همین دلیل قرارداد مزبور را قراردادی نامعین دانسته‌اند. حال آنکه به نظر می‌رسد با وجود عقد خرید دین و مستندات قانونی آن می‌توان ماهیت قرارداد کارت‌های اعتباری را در قالب عقد خرید دین توجیه کرد.

با توجه به قوانین و مقررات مربوط به خرید دین به نظر می‌رسد می‌توان ماهیت قرارداد کارت‌های اعتباری را با عقد مزبور منطبق دانست؛ بدین ترتیب که بانک صادرکننده کارت اعتباری، قراردادی را با مراکز تجاری و خدماتی پذیرنده کارت منعقد می‌کند؛ مبنی بر اینکه هر مبلغی که دارندگان کارت به صورت نسیه مدت دار (برای مثال شش ماهه) خریداری کنند، بانک با نرخ تنزیل معینی (برای مثال ۱۰ درصد) بدھی آنان را به مبلغ کمتر خریداری نماید و وجه آن را نقد پردازد. همچنین بانک قراردادی با دارندگان کارت منعقد می‌کند؛ مبنی بر اینکه آنان بتوانند با استفاده از کارت اعتباری و تسهیلات خرید دین بانک، کالاها و خدمات موردنیاز را به صورت نسیه مدت دار، از فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی بخرند. بعد از خرید نیز می‌توانند بدھی خود را در فرصت تنفس یا به صورت قسطی پردازنند، یا در سراسید شش ماهه پردازنند و کل مبلغ اسمی بدھی را تسویه کنند (موسیان، ۱۳۸۳: ۵۴).

۱-۵-۳. معامله اوراق قرضه

یکی از مؤثرترین ابزارهای بانک مرکزی در کنترل حجم پول، عملیات بازار باز است. در این عملیات، بانک مرکزی اقدام به خرید و فروش اوراق قرضه صادر شده از جانب دولت یا مؤسسات معتبر غیردولتی می‌کند؛ از این رو عملیات بازار باز از دو بخش تشکیل می‌شود: انتشار اوراق و خرید و فروش آن‌ها. به این ترتیب که با صدور اوراق قرضه، خریدار اولیه آن، مبلغی معادل مبلغ اولیه آن به صادرکننده آن می‌پردازد؛ مشروط بر اینکه علاوه بر استرداد اصل آن در سرسید معین، در صد مشخصی هم به او پرداخت شود. درواقع، خریداران بعدی اوراق قرضه سند تعهد صادرکننده اوراق قرضه را از مالکان آن‌ها خریداری می‌کنند و از آنجا که ماهیت آن قرض با بهره است، مشمول ادله حرمت ربا قرار می‌گیرد. البته همه کسانی که صدور اوراق قرضه و خرید آن از سوی خریدار اولیه را در تمامی اقسام آن مشمول حرمت ادله ربا قرار داده و صحیح نمی‌دانند، معتقدند معاملات بازار ثانویه این اوراق می‌تواند براساس عقد خرید دین باشد (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۹۱)؛ یعنی پس از صدور و خرید اوراق مزبور از سوی خریدار اولیه، این اوراق، استاد دینی هستند که صاحبان آن‌ها در قالب عقد خرید دین به اشخاص دیگر انتقال می‌دهند؛ بنابراین با پذیرش این دیدگاه، تنها مشکل اوراق قرضه، ابزار مالی بانک‌ها، صدور و فروش آن به خریدار اولیه و به بیان دیگر معامله اولیه آن است که براساس قرض با بهره صورت می‌گیرد که در نظام بانکداری بدون ربا پذیرفته نیست. اما به نظر می‌رسد ماهیت صدور اوراق قرضه را نیز می‌توان در قالب عقد خرید دین توجیه کرد؛ بدین نحو که بانک‌ها و سایر صادرکنندگان اوراق قرضه، با صدور این اوراق- به صراحت ماده ۵۲ لایحه ق. ت- از اشخاص وام می‌گیرند و سپس اقدام به خرید بدھی خود از آن‌ها، با قیمت بیشتر می‌کنند و آن را در فواصل زمانی معین به شکل اقساط یا به صورت یکجا می‌پردازنند. این امر از مصادیق عقد خرید دین از سوی مدیون است و در صورت انتقال اوراق مزبور به اشخاص ثالث از سوی صاحبان آن‌ها، خرید دین را اشخاص ثالث محقق می‌کنند.

نتیجه گیری

با توجه به مفهوم گسترده مال در حقوق کنونی، دین نیز در زمرة اموال قرار دارد و به رغم نظرات متفاوتی که درباره حکم بیع دین وجود دارد؛ نظر مشهور مبنی بر جواز آن است. به طور

مشخص خرید دین قراردادی است که به موجب آن دین مدت‌دار بدھکار به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از او خریداری می‌شود و این خرید می‌تواند از سوی مديون یا شخص ثالث باشد و اثر آن انتقال مالکیت دین به همراه تضمینات آن به خریدار است؛ بنابراین در صورت وصول نشدن دین، خریدار می‌تواند از محل تضمینات موجود، طلب خود را وصول کند. بنابراین با توجه به تعریف مذبور می‌توان گفت ماهیت خرید دین، عقدی، تمیکی، معوض، لازم و تبعی است و با توجه به مستندات قانونی آن (ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه، اصلاح آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بخشنامه و دستورالعمل اجرایی آن) که تعریف شرایط و آثار عقد مذبور را ذکر کرده، ماهیتاً در زمرة عقود معین است و نیازی به تحلیل و توجیه آن در قالب عقود معین دیگر از قبیل بیع یا درج آن در زمرة عقود نامعین و ماده ۱۰ قانون مدنی نیست.

در حال حاضر در کنار سایر عقود پیش‌بینی شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا، یکی از منابع تأمین اعتبار و اعطای تسهیلات که امکان را فراهم کرده است تا بسیاری از عملیات بانکی که بخش عمده‌ای از معاملات بانکی را تشکیل می‌دهند، از قبیل قراردادهای اعتباری، سود سپرده‌ها و وام‌های بانکی، کارت‌های اعتباری و بانکی، تنزیل اعتبارات استنادی و... در قالب عقد مذبور منعقد شوند؛ زیرا انعقاد هریک از عملیات مذبور، جز در قالب خرید دین، گاه به‌سبب صوری بودن و گاه به‌سبب داشتن ماهیت ریای قرضی، باطل و مخالف موازین شرعی و قانونی در نظام بانکداری بدون ریاست. حال آنکه انعقاد آن‌ها در قالب خرید دین، این امکان را ایجاد می‌کند که طرف دائن با فروش دین به شخص ثالث (بانک)، خود را از ماهیت قرض بودن این معاملات و مانع ربوی شدن معامله به‌سبب وصول مازاد رهایی بخشنده؛ از این‌رو در حال حاضر می‌توان بسیاری از معاملات مبتنی بر دیون را بدون هیچ شک و تردید و بیم ناشی از ربوی شدن معامله براساس عقد خرید دین منعقد کرد.

کتاب نامه منابع و مأخذ

- ﴿ اسکینی، ریعا. (۱۳۸۴). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک). چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت.
- ﴿ امامی، سید حسن. (۱۳۷۵). حقوق مدنی. ج ۱. چاپ هفدهم. تهران: انتشارات اسلامیه.
- ﴿ بربار، نعمت‌الله. (۱۳۸۳). بررسی فقهی و حقوقی چهار قرارداد بانکی (مضاربه، مشارکت مدنی، فروش اقساطی، بیع دین). مؤسسه آموزش عالی بانکداری.
- ﴿ توتونجیان، ایرج. (۱۳۷۵). اقتصاد پول و بانکداری. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- ﴿ ثابت، عبدالحمید. (۱۳۸۰). «نگاهی به مباحث فقهی و اقتصادی تنزیل». *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*. سال اول. شماره ۴. صص ۱۰۵-۱۲۰.
- ﴿ ثابت، عبدالحمید. (۱۳۸۱). «موضوع شناسی بیع دین». *محله فقه اهل بیت*. سال هشتم. شماره ۳۱. صص ۱۳۸-۲۰۸.
- ﴿ جمعی از مؤلفان (بی‌تا). مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی). ج ۱۶. قم: مؤسسه دایرہ المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- ﴿ داورزنی، حسین؛ رضوی، سید محمد و ابراهیمی، سعید. (۱۳۸۹). «سپرده‌های بانکی با سود معین بر مبنای خرید دین». *محله فقه و حقوق اسلامی*. شماره ۱. صص ۷۹-۹۹.
- ﴿ زارع، علی و الفت‌پور، ثمر. (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی ماهیت حقوقی کارت‌های اعتباری در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا». *دانشنامه حقوق و سیاست*. شماره ۱۲. صص ۷۴-۹۸.
- ﴿ سلطانی، محمد. (۱۳۹۰). حقوق بانکی. چاپ اول. تهران: میزان.
- ﴿ شهیدی، مهدی. (۱۳۷۴). سقوط تعهدات. چاپ چهارم. تهران: حقوق‌دان.
- ﴿ شیری، چمشید. (۱۳۹۲). خرید دین در فقه و نظام بانکی ایران، (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران).
- ﴿ فرهنگ، متوجه. (۱۳۷۱). فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی. چاپ اول. تهران: نشر البرز.
- ﴿ قاسمزاده، سید مرتضی. (۱۳۹۱). «ضرورت توجه به تعهدات پولی. اعتبارهای پولی و امور بانکی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*. دوره ۷. شماره ۶۰. صص ۱۱-۱۴.
- ﴿ کاتبی، حسینقلی. (۱۳۸۵). حقوق تجارت. تهران: گنج دانش.
- ﴿ صفری، محمد. (۱۳۸۰). حقوق بازار گانی اسناد، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ﴿ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادها. ج ۴. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ﴿ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق مدنی. عقود معین (۲). چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ﴿ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). مقدمه علم حقوق. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ﴿ موسوی، سید باقر. (۱۳۸۱). «خرید و فروش دین (تنزیل)». *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*. سال دوم. شماره ۷. صص ۸۸-۷۵.
- ﴿ میرجلیلی، سید حسین. (۱۳۷۴). بررسی و ارزیابی بانکداری بدون ربا در ایران. چاپ اول. تهران: معاونت امور

اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

- ﴿ موسویان، سید عباس. (۱۳۸۰). «مشارکت مجده جایگزین تنزیل مجده». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره اول. شماره ۳. صص ۷۵-۹۰. ﴾
- ﴿ موسویان، سید عباس. (۱۳۸۳). «کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ریا». *مجله اقتصاد اسلامی*. سال چهارم. صص ۳۴-۷۴. ﴾
- ﴿ موسویان، سید عباس. (۱۳۸۶). *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ﴾
- ﴿ موسویان، سید عباس و بازوکار. احسان. (۱۳۹۲). «بررسی فقهی حقوقی اوراق استصناع موازی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*. شماره ۶۳. صص ۲۰۷-۲۲۲. ﴾
- ﴿ موسویان، سید عباس و فدایی واحد، میثم. (۱۳۹۲). «تأمین مالی اسلامی براساس اعتبار در حساب جاری بر مبنای عقد وکالت». *راهبرد مدیریت مالی*. سال اول. شماره ۳. ﴾
- ﴿ بندر ریکی، محمد. (۱۳۷۵). *المنجد عربی*. ج ۲. چاپ اول. تهران: انتشارات ایران. ﴾
- ﴿ بدوى، احمد زکى. (۲۰۰۳). *عجم المصطلحات القانونية*. چاپ دوم. قاهره: دارالكتب المصرى. ﴾
- ﴿ طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۳۷۸). *حاشیة مکاسب*. ج ۱. چاپ اول. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ﴾
- ﴿ عتیقی، محمد کل (۱۴۱۹). «بیع الدین صوره و احکامه در اسه مقارنه». *علوم قرآن و حدیث. الشریعه و الدراسات الاسلامیه* العدد ۳۵. ص ۳۲۹-۳۸۳. ﴾
- ﴿ محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. ج ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ﴾
- ﴿ موسوی خمینی، سیدروح الله (سال). *تحریر الوسیله*. ج ۱. کتاب دین. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ﴾
- ﴿ موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۱۵). *کتاب البيع. مؤسسه النشر الاسلامیه*. ج ۱. چاپ پنجم. قم. ﴾

ب) منابع خارجی

- Brown, W.(1991). Gcse law. Seventh edition Tehran: Majd
- Megrah, Aryder (1983), Bill of Exchange. 25 edition. London: sweet and Maxwell.